



ساسان سالور
تهیه‌کننده و کارگردان
سینما:

برخورد قهری، سینمای زیرزمینی را بیشتر می‌کند

سینمای زیرزمینی حاصل فشارهای بی‌جا در ممیزی است و به نظرم پروانه ساخت خاصیتش را از دست داده است. این بخشی از دیدگاه ساسان سالور، تهیه‌کننده، فیلمساز و از فعالان سینمای مستقل و انجمن تهیه‌کنندگان، درباره پدیده‌ای است که طی سال‌های اخیر بیش از گذشته در سینمای ایران مورد توجه قرار گرفته است. سالور معتقد است تعریف «سینمای مستقل» نیز در سال‌های اخیر دستخوش تغییر شده و نمی‌توان فیلمی را که با استفاده از بودجه‌های سازمانی و دولتی تولید شده است، صرفاً به دلیل نوع روایت یا ساختار، مستقل دانست.

ساسان سالور درباره شکل‌گیری سینمای زیرزمینی و نسبت آن با سینمای مستقل اظهار کرد: وقتی به فیلمساز فشار وارد می‌شود، او به جای اینکه انرژی خود را صرف ساخت فیلم کند، ناچار است بخش زیادی از وقت و توان خود را صرف رفت‌وآمد و پیگیری امور در وزارت فرهنگ کند.

این تهیه‌کننده و فیلمساز افزود: حتی گاهی فیلم‌هایی را می‌بینیم که پروانه نمایش گرفته‌اند، اما پس از دریافت مجوز نیز از سوی بخش‌های مختلف با مشکل مواجه می‌شوند. تا زمانی که مقوله فرهنگ نتواند استقلال خود را داشته باشد و به شکل مستقل تصمیم‌گیری کند، این مشکلات ادامه خواهد داشت.

سالور تأکید کرد: حتی همان فیلمی که مجوز وزارت فرهنگ را دارد نیز در معرض خطر است و ممکن است توسط افرادی که همیشه خود را دلسوز و در خط مقدم دفاع از فرهنگ و هنر می‌دانند، با چالش مواجه شود. براینده این وضعیت، بخشی از چیزی است که امروز از آن با عنوان فیلمسازی زیرزمینی یاد می‌کنیم.

سالور در ادامه درباره مفهوم سینمای مستقل گفت: من تا امروز هر فیلمی که کار کرده‌ام، به معنای واقعی مستقل بوده است. اما متأسفانه این اصطلاح نیز در سال‌های اخیر دستخوش تغییر شده است. گاهی فرد یا گروهی از امکانات یک ارگان یا سازمان استفاده می‌کند که از سرمایه شخصی آنها نیست، اما در نهایت عنوان سینمای مستقل را برای اثر خود به کار می‌برد.

وی افزود: جدای از استقلال مالی، فیلم در وهله نخست باید استقلال فکری داشته باشد. وقتی برای تولید فیلم بودجه‌های کلان، ۱۰۰، ۱۲۰ یا ۱۵۰ میلیارد تومانی از منابع مختلف دریافت می‌شود و در عین حال اثر مستقل نامیده می‌شود، نمی‌توان چنین تعریفی را پذیرفت.

سالور با اشاره به تجربه خود در تهیه‌کنندگی اظهار کرد: من تهیه‌کننده مستقلی بوده‌ام و اگر مشخص شود که حتی هزار تومان وام یا کمک از سیستم دولتی گرفته‌ام، حاضرم تمام فیلم‌هایم را به صورت رایگان واگذار کنم.

سالور در ادامه به موضوع پروانه ساخت پرداخت و گفت: براینده این شرایط امروز به بحث پروانه ساخت می‌رسد. ما ۴۷ سال است که پروانه ساخت داریم، اما امروز این پروانه به معنای واقعی خاصیت خود را از دست داده است. یک جوان با استعداد می‌تواند با یک تلفن همراه فیلم بسازد و دیگر برای این کار نیازی به پروانه ساخت ندارد. به اعتقاد من، پروانه ساخت به مانعی بزرگ بر سر راه فیلمسازان تبدیل شده است.

سالور با اشاره به گزارشی که در شورای عالی تهیه‌کنندگان مطرح شده است، اظهار کرد: امسال گزارشی در شورای عالی تهیه‌کنندگان مطرح شد که بر اساس آن، نزدیک به ۳۷ یا ۳۸ فیلم بدون مجوز که به تعبیر برخی دوستان فیلم‌های زیرزمینی هستند، برای جشنواره کن ارائه شده‌اند.

سالور با انتقاد از یکی دانستن فیلم دارای مجوز با فیلم دولتی گفت: اگر در پاریس هم بخواهید در سطح شهر فیلمبرداری کنید، باید از پلیس مجوز بگیرید. بنابراین اینکه من برای فیلمبرداری در سطح شهر از وزارت فرهنگ مجوز می‌گیرم، به این معنا نیست که فیلم من دولتی است.

وی افزود: برخی افراد در خارج از فضای رسمی نیز به فیلم‌هایی که مجوز دارند، انگ دولتی می‌زنند و تصور می‌کنند هر فیلمی که پروانه ساخت دارد، دولتی است. در حالی که باید پرسید آیا فیلمساز از نظر فکری وابسته به یک نهاد خاص است؟ آیا یک ارگان مشخص را تبلیغ

کرده یا از آن حمایت کرده است؟ صرف دریافت مجوز نمی‌تواند چنین نتیجه‌ای داشته باشد. سالور ادامه داد: اینکه داشتن یا نداشتن پروانه ساخت به یک اولویت برای برخی جشنواره‌ها تبدیل شده، بحث دیگری است. متأسفانه در بعضی موارد، فیلم‌هایی که پروانه ساخت ندارند با نگاه متفاوتی مواجه می‌شوند.

این تهیه‌کننده با اشاره به تغییر رویکردهای مدیریتی در دوره‌های مختلف اظهار کرد: با تغییر مدیران، ریل‌گذاری کل سینما نیز تغییر می‌کند. مدیری می‌آید و یک مسیر را ایجاد می‌کند، مدیر بعدی آن مسیر را تغییر می‌دهد و مسیر دیگری را جایگزین می‌کند. این روند با ماهیت فرهنگ و هنر سازگار نیست. فرهنگ و هنر نمی‌تواند به شکل کامل تابع سلیقه مدیران باشد.

او ادامه داد: با این توضیحات این پرسش مطرح می‌شود که مسئولیت نهایی تصمیم‌گیری در حوزه فرهنگ بر عهده کدام نهاد است؟ آیا همه ارگان‌ها به صورت موازی تصمیم می‌گیرند؟ این موازی‌کاری خود به یکی از مشکلات اساسی سینما تبدیل شده است. سالور درباره مصوبه‌ها و قوانین جدید در زمینه تولید فیلم بدون مجوز اظهار کرد: «مانع پروانه ساخت هنوز برداشته نشده و در عین حال، دوستان در مجلس نیز محدودیت‌های دیگری را به این روند اضافه کرده‌اند.»

وی با صراحت درباره پیامد برخوردهای قهری گفت: قطعاً چنین برخوردهایی سینمای زیرزمینی را افزایش می‌دهد. ما سال‌ها با برخورد قهری را تجربه کرده‌ایم و نتیجه آن را نیز دیده‌ایم. اگر قرار بود برخورد قهری نتیجه بدهد، تا امروز باید نتیجه آن مشخص می‌شد. این تهیه‌کننده درباره سیاست‌های ممیزی نیز گفت: ممیزی تاکنون مشکلات را حل نکرده و در بسیاری موارد تنها به عنوان یک ابزار مورد استفاده قرار گرفته است. دولت باید در جایی تصمیم بگیرد که پروانه ساخت را کنار بگذارد و به فیلمسازان اعتماد کند.

سالور در ادامه با تشبیه سینما به آینه گفت: وظیفه ما مانند یک آینه است. من به عنوان تهیه‌کننده سینما تا امروز شش فیلم تهیه و ۱۱ فیلم تولید کرده‌ام و در جشنواره‌های مختلف حضور داشته‌ام. با اطمینان می‌گویم اگر این‌رهایی ایجاد شود، فیلم خوب ساخته خواهد شد. ما علاقه‌ای به سیاه‌نمایی نداریم، واقعیت را نشان می‌دهیم و همین واقعیت می‌تواند به اصلاح امور کمک کند.

سالور با لحنی انتقادی ادامه داد: اگر اصلاح‌پذیر نیستید، سینما را تعطیل کنید. بستن در سینما کار دشواری نیست. اما نمی‌توان هم سینما، تئاتر و موسیقی را داشت و هم با چنین محدودیت‌هایی با آنها برخورد کرد.

سالور در بخش دیگری از این گفت‌وگو اظهار کرد: قطعاً فیلم‌های مستقل و حتی زیرزمینی می‌تواند با سینمای رسمی رقابت کند. هنر صرفاً تابع پول و سرمایه نیست؛ هنر به استعداد وابسته است.

سالور تأکید کرد که مستقل بودن به‌تنهایی کیفیت یک فیلم را تضمین نمی‌کند و گفت: در این زمینه سوءاستفاده هم وجود دارد. گاهی عده‌ای از همین عنوان استفاده می‌کنند و موج‌سواری به راه می‌اندازند. نمی‌توان گفت هر فیلم بدون مجوزی و یا مستقلاً الزاماً فیلم خوبی است. فیلم‌هایی نیز وجود دارند که حتی الفبای سینما را نمی‌دانند.



پیمان شوقی
منتقد سینما:

هر فیلم بدون مجوز، زیرزمینی نیست

در سال‌های اخیر اصطلاح «سینمای زیرزمینی» بیش از گذشته به گوش می‌رسد؛ برای توصیف بخشی از فیلم‌هایی که خارج از سازوکار رسمی سینمای ایران تولید شده‌اند. آثاری که یا بدون دریافت مجوز ساخته می‌شوند و یا از مسیرهای غیررسمی به دست مخاطب می‌رسند. آیا می‌توان این فیلم‌ها را «زیرزمینی» نامید؟ شوقی لمنتقد سینما و کارشناس رسانه! در گفت‌وگو با روزنامه صبا، با مرور نمونه‌هایی از سینمای ایران و جهان، درباره تفاوت سینمای زیرزمینی با فیلم‌های بدون مجوز، شرایط تولید آثاری مانند «کسی از گربه‌های ایرانی خبر نداره»، «برادران لایلا» و «بیداد»، پیامد برخوردهای هیجانی با فیلم‌ها و همچنین آثار احتمالی مجازات‌های سنگین برای فیلمسازان سخن گفته است.

شوقی درباره جایگاه سینمای زیرزمینی در تاریخ سینما گفت: از نظر تاریخی سینمای زیرزمینی یک جریان خاص در سینمای آمریکاست که در برخی کشورهای دیگر هم دنباله‌روهایی یافت‌المثل اروپا و ژاپن! این جریان علیه جریان رایج سینما قد علم کرد و به موازات آن با تابوشکنی و جنجال آفرینی روی اصلاح تدریجی ممیزی رسمی اثر گذاشت؛ اما از نظرهنری تأثیرات مهمی روی سینما نداشت.

شوقی در ادامه با تأکید بر تفاوت میان فیلم بدون مجوز و سینمای زیرزمینی گفت: بیا بید تعریف‌های مان دقیق باشد و کورکورانه هر اصطلاحی که سر زبان‌ها می‌افتد را تکرار نکنیم؛ «فیلم زیرزمینی» در فرهنگ سینمای دنیا معنی مشخصی دارد و شامل رادیکالیسمی در برابر اجتماع است که در فیلم‌های بدون مجوز ایرانی دیده نمی‌شود. فیلم‌های زیرزمینی، پروداکشن خیلی محدودی داشتند و از بازیگر شناخته‌شده استفاده نمی‌کردند. این محدودیت‌ها خودخواسته بودند و عصبانی علیه سینمای متعارف به شمار می‌رفتند. طبعاً فقط در اکرانهای خصوصی دیده می‌شدند ولی صرف اینکه فیلمی از مسیرهای غیررسمی دیده می‌شود، آن را در این طبقه بندی قرار نمی‌دهد.

او آثار ایرانی موسوم به زیرزمینی را بیشتر حاصل تلاش برای گسترش فضای فعالیت دانست و اظهار کرد: این فیلم‌ها عمدتاً تلاش بخشی از بدنه سینما برای عقب‌اندن خطوط قرمز و بازکردن فضای فعالیت است؛ که ضمناً یک مدل اقتصادی هم برای خودشان پیدا کرده‌اند و حتی ممکن است حمایت هم بشوند.

شوقی با اشاره به فیلم‌هایی که در سال‌های اخیر بدون مجوز ساخته شده‌اند، اظهار کرد: در اغلب فیلم‌های به اصطلاح زیرزمینی سال‌های اخیرمان، سکانس‌هایی از خیابان، زندان و دیگر لوکیشنهای عمومی می‌بینیم که یلمبرداری در آنها ممنوع است و این یعنی این محدودیت‌ها به شکلی برای سازندگان فیلم‌ها تسهیل شده است. پس چرا خودمان را گول بزنیم و بگوییم آثاری که تولیدشان آشکار است، بودجه دارند، امکانات دارند و حمایت شده‌اند زیرزمینی هستند؟

او در بخش دیگری از صحبت‌ها درباره فیلم «بی‌داد»

با تأکید بر اینکه هنوز فیلم را ندیده است، گفت: فیلم‌های قبلی آقای بیرقی هم حاشیه‌هایی داشتند ولی از نظر سینمایی فیلم‌هایی معمولی هستند که بیشتر به خاطر مضامین‌شان برای گروه‌هایی از مخاطب (داخلی و خارجی) جذاب بودند و به همین دلیل هم ساخته شدند. چنین روندی کاملاً در راستای سازوکار بیزنسی سینما است و نه تنها در چارچوب سینمای زیرزمینی نمی‌گنجد، بلکه به سینمای متعارف نزدیک است. تقریباً همه فیلم‌های ممنوعه دیگرمان هم همین هستند.

شوقی در توضیح این نظر افزود: وقتی شما کالایی تولید می‌کنید که از ابتدا می‌دانید بازار هدف دارد، درآمد دارد، اسپانسر دارد، مطلوب فلان جشنواره‌های جهانی است و... یعنی اصول صنعتی و تجاری سینما را در نظر گرفته‌اید. همه اینها را بررسی می‌کنید، سود و زیان را می‌سنجید و بعد فیلم را می‌سازید. این دیگر تولیدی نیست که با حداقل امکانات و صرفاً برای ادای یک دغدغه پنهان یا بیان یک مضمون انتقادی تولید شود و جنجال به پا کند.

او با تأکید براینکه بهتر است کلمه «زیرزمینی» را برای این آثار با ب نکنیم، اظهار کرد: نمی‌خواهم ارزش اجتماعی فیلم‌های دغدغه‌مند را کم نشان دهم، اما وقتی صحبت از سینما به عنوان شغل و بیزنس می‌کنیم، ماهیت آن آثار از «سینمای زیرزمینی» دور می‌شود. برای همین من تعبیر «فیلم‌های شکاری» را برای این آثار پیشنهاد می‌کنم.

شوقی درباره معنای این تعبیر توضیح داد: «فیلم شکاری» یعنی فیلمی که من مجوز ساخت ندارد، فیلمبرداری‌اش با سرعت و در سکوت خبری انجام می‌شود تا به مشکل برخورد. ولی زمان کاملی را به پیش تولید و تدوین اختصاص می‌دهد تا محصول نهایی سروشکل داشته باشد. مضمون بسیاری از این فیلم‌ها اگرچه ممکن است در زمان خود تابو تلقی شود ولی با گذشت زمان حساسیت‌های خود را از دست می‌دهد و یا حتی بلاموضوع می‌شود. مثل فیلم به اصطلاح زیرزمینی «کسی از گربه‌های ایرانی خبر نداره» ساخته بهمن قبادی، که شاید الان نسل جوان تعجب کند که زمانی فیلم ساختن درباره گروه‌های موسیقی در ایران مجاز نبود. همان فیلم‌نامه اگر امروز ارائه شود، احتمالاً به راحتی تصویب می‌شود و حتی ممکن است وام‌فابی را هم به آن بدهند! این فرق می‌کند با فیلم‌های جنبش سینمای زیرزمینی ده شصت میلادی در دنیا، که هنوز بعد از شصت هفتاد سال همچنان ساختارشکن و پیشرو به نظر می‌رسند.

شوقی در پایان با اشاره به موضوع «سیاه‌نمایی» در مصوبه جدید مجلس گفت: ما کارشناس حقوق یا سیاستمدار نیستیم، ولی از منظر فعالان فرهنگی تناقضی در این مصوبات می‌بینیم. یکی از مواردی که در این مصوبه جرم‌انگاری شده و احکام سنگینی هم برایش تعیین کرده‌اند، اقداماتی است که از آن تلقی سیاه‌نمایی درباره جامعه ایران شود. احتمالاً پرسش بسیاری از اهالی فرهنگ از نمایندگان محترمی که این قوانین را طراحی کرده‌اند این است که طرح قوانین جدید چه تصویری از جمهوری اسلامی ایران به جهان نشان می‌دهد؟ انتشار این خبر که فرضاً اگر کسی بدون مجوز دولتی در ایران یک فیلم بسازد تا آخر عمر از فیلمسازی محروم شود، آیا تصویر سفیدی از ما می‌سازد؟

وی در نهایت تأکید کرد: امیدوارم نگاه قانونگذاران به حوزه فرهنگ، دور از هیجان‌های لحظه‌ای باشد و به دراز مدت و تأثیری که در طول زمان می‌گذارند هم بیندیشند و امیدوارم شکل نهایی قوانین جدید آنگونه باشد که در داخل کشور سبب افزایش همدلی عموم مردم با حاکمیت شود و در جهان، نام ایران را بلندتر سازد.

